

حقیقت چیست؟ — شماره دو

سخنان نبوت این کتاب را مہر مکن

Jeff Pippenger

2023-09-05

نشان داده شده است کہ تاریخ ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، همان تاریخی است کہ به وسیلہ ہفت رعدی کہ تا اندکی پیش از بستہ شدن زمان فیض مہر شدہ بودند، نمود یافتہ است۔ در این مقالہ، بررسی دوبارہ بخشی از آنچه را کہ دربارہ نمادپردازی ہفت رعد شناسایی کردہ ایم آغاز خواہم کرد۔ ما از خطوط تاریخی بر خطوط تاریخی برای ارانہ این حقایق استفادہ می کنیم۔ از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، شامل خود آن روز، چہار نشانہ راہ نبوی وجود دارد: توان بخشی پیام فرشتہ اول، نخستین نومیدی، فریاد نیمہ شب، و نومیدی عظیم۔

۱۱ اوت ۱۸۴۰ به وسیلہ موسی نزد بوتہ یسوزان بہ صورت نمونہ پیشگویی شدہ بود۔ نخستین نومیدی در بہار ۱۸۴۴ به وسیلہ ہمسر موسی، صیغورہ، ہنگامی کہ با اندوہ و بیم، پسر ایشان را مختون ساخت، بہ صورت نمونہ پیشگویی شدہ بود۔ فریاد نیمہ شب کہ از ۱۲ تا ۱۷ اوت در گردہمایی اردویی اکستر آغاز شد، بہ وسیلہ ورود موسی بہ مصر و نخستین ہشدار او دربارہ مرگ نخست زادگان مصر بہ صورت نمونہ پیشگویی شدہ بود۔ نومیدی عظیم ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بہ وسیلہ عبرانیان نزد دریای سرخ بہ صورت نمونہ پیشگویی شدہ بود۔

در زمان پادشاہ داود، ۱۱ اوت ۱۸۴۰ بہ وسیلہ بازگردانیدن تابوت خدا توسط فلسطینیان تمثیل شدہ بود۔ نخستین ناامیدی در بہار ۱۸۴۴ بہ وسیلہ لمس کردن تابوت خدا از سوی عزرا تمثیل شدہ بود۔ فریاد نیمہ شب کہ از ۱۲ تا ۱۷ اوت در گردہمایی اردویی اکستر آغاز شد، بہ وسیلہ آوردن تابوت بہ اورشلیم توسط داود تمثیل شدہ بود۔ ناامیدی عظیم ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بہ وسیلہ میکال، ہمسر داود، تمثیل شدہ بود، آنگاہ کہ او داود را بہ سبب داخل شدنش بہ اورشلیم با تابوت خوار شمرد۔

۱۱ اوت ۱۸۴۰ بہ وسیلہ تعمید مسیح نمادین شدہ بود۔ نخستین نومیدی در بہار ۱۸۴۴ بہ وسیلہ نومیدی مرگ ایلعازر نمادین شدہ بود۔ فریاد نیمہ شب کہ از گردہمایی اردویی اکستر در ۱۲ تا ۱۷ اوت آغاز شد، بہ وسیلہ ورود ظفرمندانہ مسیح بہ اورشلیم نمادین شدہ بود۔ نومیدی عظیم ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بہ وسیلہ نومیدی صلیب نمادین شدہ بود۔

ہم نے اس بات کی نشان دہی کی ہے کہ یہ چار سنگ راہ، ہر اصلاحی تحریک کے مکمل ڈھانچے کے صرف ایک جزوی حصے کی نمائندگی کرتے ہیں۔ ہم ان چار سنگ راہ کی نشان دہی اس تاریخ کے گواہوں کے طور پر کر رہے ہیں جو ۱۱ ستمبر ۲۰۰۱ کو آغاز پذیر ہوئی۔ چاروں خطوط میں سے ہر ایک کی نبوتی خصوصیات میں سے ایک یہ ہے کہ ہر خط میں موجود سنگ راہ ایک ہی موضوع کے حامل ہوتے ہیں۔

برای موسی، ہر چہار این نشانہ های راہ بہ کار خدا در ورود بہ عہد با قومی برگزیدہ، در تحقق نبوت ابراہیم، مربوط می شد۔ در خط اصلاحی داود پادشاہ، ہر چہار این نشانہ های راہ با تابوت خدا مرتبط بود۔ در خط مسیح، ہر چہار این نشانہ های راہ با مرگ و رستائیز مرتبط بود۔

۱۱ اوت ۱۸۴۰ تأییدی بر اصل «یک روز بہ جای یک سال» بود۔ نخستین نومیدی در بہار ۱۸۴۴ در نتیجہ کاربرد نادرست اصل «یک روز بہ جای یک سال» پدید آمد۔ پیام «فریاد نیمہ شب» ساموئل اسنو، اصلاح و تکمیل آن کاربرد ناموفق اصل «یک روز بہ جای یک سال» بود۔ پیام اصلاح شدہ بر اصل «یک روز بہ جای یک سال» مبتنی بود و در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تحقق یافت۔ ہر چہار نشان راہ، اصل «یک روز بہ جای

یک سال» را مشخص می‌کنند.

خواهر وایت به ما آگاه می‌سازد که هفت رعد نمایانگر رویدادهایی هستند که در طی پیام‌های فرشته^۱ اول و دوم به وقوع پیوستند؛ اما او همچنین تعلیم می‌دهد که هفت رعد «وقایع آینده‌ای» را نیز نمایندگی می‌کنند که «در ترتیب خود مکشوف خواهند شد.» هفت رعد نمایانگر چهار رویداد نبوی هستند که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ آغاز شدند و در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ پایان یافتند، و آن چهار نشانه راه در تاریخ ما به همان ترتیب تکرار خواهند شد.

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به واسطه ۱۱ اوت ۱۸۴۰ نمونه‌سازی شده بود، و هر دوی آن تاریخ‌ها با اسلام مرتبط‌اند؛ بدین‌سان آغاز ادونتپسم را با پایان ادونتپسم به هم پیوند می‌دهند. هم ۱۱ اوت ۱۸۴۰ و هم ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تأییدی بر قاعده اصلی نبوی تاریخ‌های respective خود بودند.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فرشته مکاشفه هجده فرود آمد، و در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، فرشته مکاشفه ده فرود آمد. نخستین ناامیدی Future for America پیشگویی نافرجامی درباره اسلام در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ بود. پیامی که گشوده می‌شود، همان‌گونه که فریاد نیمه‌شب در اکستر در تابستان ۱۸۴۴ گشوده شد، اصلاح آن پیشگویی نافرجامی است که پیش‌تر داده شده بود. برای میلری‌ها، این اصلاح مربوط به کاربرد پیشین اصل یک روز به جای یک سال بود که ۱۸۴۳ را زمان بازگشت خداوند معرفی می‌کرد. امروز، این اصلاح که به وسیله پیام فریاد نیمه‌شب میلری نمایان شده است، باید نشانه‌ای باشد که نماینده اسلام است، همان‌گونه که دو نشانه پیشین چنین بودند. اصلاحی که به وسیله کار ساموئل اسنو نمونه‌وار گردید، این نبود که از پیشگویی نافرجام پیشین چشم‌پوشی شود، بلکه این بود که آن پیشگویی‌ای که پیش‌تر نافرجام مانده بود، با دقت بیشتر تنظیم گردد.

«سرخورده‌گان از روی کتب مقدس دریافتند که در زمان تأخیر به سر می‌برند، و باید با شکیبایی در انتظار تحقق رؤیا بمانند. همان شواهدی که آنان را بر آن داشت تا در سال ۱۸۴۳ در انتظار خداوند خویش باشند، ایشان را به این نتیجه رسانید که او را در سال ۱۸۴۴ نیز متوقع باشند.»
Early Writings, 247

امروز پیامی که به وسیله پیامی که از گردهمایی اردویی اکستر بیرون آمد نمونه‌سازی شده است، کمال پیشگویی پیشین ناکام‌مانده خواهد بود. ناامیدی عظیم در تاریخ میلریتی، نمایانگر ناامیدی عظیمی است که در زمان قانون یکشنبه رخ می‌دهد، اما این در چارچوب پیشگویی‌ای درباره اسلام خواهد بود. پیام ساموئل اسنو عبارت از شناسایی تاریخ دقیق بود. تاریخ، درست بود، اما رویداد، نادرست. پیامی که امروز به وسیله پیام اسنو نمایانده می‌شود، پیامی درباره اسلام خواهد بود که کمال پیامی است که در نخستین ناامیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ ناکام ماند.

اکنون دیگر هیچ زمان‌ها یا تاریخ‌هایی در میان نیست؛ زیرا از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به این‌سو، تعیین زمان دیگر نباید بخشی از پیام نبوی خدا باشد.

«خداوند به من نشان داده است که پیام فرشته سوم باید برود و به فرزندان پراکنده خداوند اعلام شود، و اینکه نباید بر زمان آویخته گردد؛ زیرا زمان هرگز دیگر آزمونی نخواهد بود. دیدم که بعضی دچار هیجانی کاذب می‌شوند که از موعظه زمان برمی‌خیزد؛ [و دیدم] که پیام فرشته سوم از آنچه زمان بتواند بدهد نیرومندتر است. دیدم که این پیام می‌تواند بر بنیاد خویش استوار بماند، و برای تقویت خود به زمان نیاز ندارد، و با قدرتی عظیم پیش خواهد رفت، و کار خود را انجام خواهد داد، و در عدالت مختصر خواهد شد.» Experience and Views, 48, 49

چهارمین نشانه راه در تاریخ ما باید قانون یکشنبه باشد، زیرا تاریخ‌های مقدس همه خطوط اصلاحی، هنگامی که همگی با هم و حکم بر حکم کنار یکدیگر نهاده شوند، همراه با تفسیر الهام‌شده آن تاریخ‌ها

از طریق روح نبوت، به طور قاطع ثابت می‌کنند که قانون یکشنبه پس از فرود آمدن فرشته نیرومند در تاریخ ما، چهارمین نشانه راه است. چهارمین نشانه راه در تاریخ هفت رعد، که «وقایع آینده‌ای هستند که به ترتیب خود آشکار خواهند شد»، باید با اسلام مرتبط باشد، بر این اساس که همان مضمون همواره در همان چهار نشانه راه در هر جنبش اصلاحی وجود دارد.

اسلام به دلیلی دوم بخشی از رویدادهای نبوی مرتبط با قانون یکشنبه خواهد بود. عیسی، شیر سبط یهودا، به طور مشخص تاریخ این چهار رویداد را برگرفته و آن را به عنوان نمادی مستقل تعریف کرده است. آن نماد، هفت رعد است. در هر جنبش اصلاحی، نشانه‌های دیگری نیز وجود دارند که هم پیش از آن چهار نشانه و هم پس از آن‌ها قرار می‌گیرند؛ همان چهار نشانه‌ای که شیر سبط یهودا آن‌ها را هفت رعد تعیین می‌کند. به عنوان نمادی مستقل، نخستین نشانه از تاریخ نمادینی که این چهار نشانه را در بر دارد، نمایانگر حمله اسلام به ایالات متحده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود. این واقعیت که آلفا و امگا پایان را با آغاز یکی می‌شناسانند، حضور اسلام را در قانون یکشنبه تثبیت می‌کند؛ زیرا نخستین آن چهار نشانه، حمله اسلام در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود، بنابراین چهارمین و آخرین نشانه نیز باید حمله‌ای از سوی اسلام علیه ایالات متحده باشد.

ممکن است بسیار محتمل باشد که قانون یکشنبه حمله‌ای دیگر از سوی اسلام به شهر نیویورک باشد، و این به مثابه پایانی خواهد بود که با آغاز آن شناسایی می‌شود؛ اما دست‌کم، آن حمله‌ای از سوی اسلام خواهد بود، چنان‌که در پیشگویی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ بیان شده بود.

هم‌ن‌ بهی واضح کیاے کہ الفا اور اومیگا نے ان چار تاریخوں کے اندر ایک تاریخ پوشیدہ رکھی تھی۔ درحقیقت، وہ پوشیدہ داخلی تاریخ ایک بنیادی مکاشفہ ہے جسے اب ”کتاب مکاشفہ کی نبوت کی باتوں پر مہر نہ کر“ کے حکم کے ساتھ مربوط کرتے ہوئے ظاہر کیا جا رہا ہے۔ اس پوشیدہ داخلی تاریخ کو اُس وقت پہچانا جاتا ہے جب ہم اُن چار نشانِ راہ کے اندر، جو سات گرجوں کے ذریعہ ممثل کیے گئے ہیں، یہ دیکھتے ہیں کہ ان چار نشانِ راہ کے اندر ایک ایسا دور موجود ہے جو ایک مایوسی سے شروع ہوتا ہے اور ایک مایوسی پر ختم ہوتا ہے۔ ملیرائٹ تاریخ میں دوسرے فرشتے کی آمد سے تیسرے کی آمد تک ایک مخصوص تاریخ ہے جو اپنے آپ میں ایک علامت کی نمائندگی کرتی ہے۔ یہ ایک فرشتے کے پیغام سے شروع ہوتی ہے جسے کھایا جانا لازم ہے، یوں یہ دس کنواریوں کی تمثیل میں ٹھہرے رہنے کے وقت کو نشان زد کرتی ہے۔ پھر یہ نصف اللیل کی للکار کی نشان دہی کرتی ہے، جو ایک ایسا پیغام بھی ہے جسے کھایا جانا لازم ہے، اور پھر تیسرے پیغام کی آمد تک لے جاتی ہے جسے بھی کھایا جانا لازم ہے۔

خط درونی پنهان در درون خط هفت رعد، از لحاظ نبوی نه تنها با این امر تأیید می‌شود که آغاز نمایانگر یأس است، و آمدن فرشته و پیامی برای خوردن را - که سپس در یأس عظیم تکرار می‌گردد - در بر دارد، بلکه به وسیله «حقیقت» نیز تأیید می‌شود.

واژه عبری «emet» که در عهد عتیق به «حقیقت» ترجمه شده است، به وسیله آن زبان‌شناس شگفت‌انگیز با به کارگیری نخستین حرف از الفبای عبری، سپس سیزدهمین حرف الفبا، و آنگاه با پایان دادن به آخرین حرف الفبا ساخته شده است تا واژه‌ای را پدید آورد که به «حقیقت» ترجمه می‌شود. ما نشان داده‌ایم که این حروف، اصل قاعده نخستین ذکر را نمایان می‌سازند، اصلی که پایان را از ابتدا مشخص می‌کند. حرف نخست، حرف «آلفا» است. حرف میانی، سیزدهمین حرف از الفبای عبری است و نمایانگر عصیان است. حرف آخر، آخرین است، پایان، امگا. ما نشان داده‌ایم که این سه حرف، سه گام انجیل جاودانی را، چنان‌که به وسیله چندین خط نبوی تأیید شده است، نمایان می‌سازند.

معانی آن سه حرف با معنای هر یک از پیام‌های سه فرشته مطابقت دارد. معانی آن سه حرف با فرایند تطهیر حکیمان و شیریران در دانیال دوازده: 10 مطابقت دارد؛ آنان که پاک می‌شوند، سفید گردانیده می‌شوند و آزموده می‌شوند. آن سه حرف عبری که برای پدید آوردن واژه «حقیقت» در کنار

هم نهاده شدند، نشان آلفا و امگا و نیز آن سه گامی را که در پیام فرشته اول معرفی می‌کنند، در خود دارند؛ همان که «انجیل جاودانی» نامیده می‌شود. آن سه گامی که آن حروف نمایندگی می‌کنند، همچنین نمایانگر عمل روح القدس هستند، چنان‌که در یوحنا شانزده بیان شده است.

و چون او بیاید، جهان را درباره گناه، و عدالت، و داوری ملزم خواهد ساخت: درباره گناه، زیرا به من ایمان نمی‌آورند؛ درباره عدالت، زیرا نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید؛ و درباره داوری، زیرا رئیس این جهان داوری شده است. یوحنا ۸: ۱۶-۱۱.

نخستین نومی‌دی به منزله گناه بازنمایی شده است، چنان‌که در مورد موسی، عِزّه، مریم و مرتا، و نیز میلیری‌ها دیده می‌شود؛ زیرا یوحنا ۱۶ کار روح القدس را در مجاب ساختن نسبت به «گناه» توصیف می‌کند، و این از آن رو بود که «ایمان نمی‌آورند». هر یک از نمادهایی که بدان‌ها اشاره کردیم، نمایانگر نخستین نومی‌دی‌اند، و هر یک از تاریخچه‌های ایشان گواهی می‌دهند که آن نومی‌دی ناشی از گناه ایمان نیاوردن به چیزی بود که پیش‌تر بر آنان مکشوف شده بود. گام نخست، اقناع نسبت به گناه است. گام نخست، نخستین حرف الفبای عبری است.

دومین نشانه راه در تاریخ پنهان، عدالت است؛ و آن جایی است که ظهور قدرت خدا در عدالت حاملان پیام فریاد نیمه‌شب آشکار می‌گردد. آنان در پایان زمان درنگ، عدالت خدا را ظاهر می‌سازند، زیرا یوحنا شانزده می‌گوید که مسیح نزد پدر خود رفت و ایشان دیگر مسیح را ندیدند. مسیح پیش از ظهور عدالت، درنگ کرده بود. در میان میلیری‌ها، هنگامی که مسیح دست خود را برداشت، اشتباه شناخته شد. سپس محتوای پیام تصحیح‌شده، دو طبقه از پرستندگان را پدید آورد. یک طبقه عدالت را ظاهر ساخت، زیرا روغن داشتند، و طبقه دیگر عصیان را ظاهر ساخت که به وسیله سیزدهمین حرف الفبای عبری نمادپردازی شده است.

«مسیح‌شدگان ایستاده نزد خداوند تمامی زمین، همان مقامی را دارند که زمانی به شیطان به‌عنوان کروی سایه‌گستر داده شده بود. خداوند به واسطه موجودات مقدسی که گرداگرد تخت او هستند، ارتباطی پیوسته با ساکنان زمین برقرار می‌دارد. روغن زرین، نمایانگر فیضی است که خدا به وسیله آن چراغ‌های ایمانداران را پیوسته فراهم و آکنده نگاه می‌دارد تا نه سوسو زنند و نه خاموش شوند. اگر این روغن مقدس در پیام‌های روح خدا از آسمان فرو ریخته نمی‌شد، عاملان شر به‌طور کامل بر انسان‌ها تسلط می‌یافتند.»

«خدا زمانی بی‌حرمتی می‌شود که پیام‌هایی را که او برای ما می‌فرستد دریافت نکنیم. بدین‌سان، آن روغن زرین را که او می‌خواهد در جان‌های ما بریزد تا به کسانی که در تاریکی‌اند رسانیده شود، رد می‌کنیم. هنگامی که این ندا برخیزد: "اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید"، آنان که روغن مقدس را دریافت نکرده‌اند، آنان که فیض مسیح را در دل‌های خود گرامی نداشته‌اند، همچون باکره‌های نادان خواهند یافت که برای ملاقات با خداوند خویش آماده نیستند. آنان در خود قدرتی برای به‌دست آوردن آن روغن ندارند، و زندگی‌شان تباه می‌شود. اما اگر روح القدس خدا طلب شود، اگر همچون موسی التماس کنیم: "جلال خود را به من بنما"، محبت خدا در دل‌های ما ریخته خواهد شد. از طریق لوله‌های زرین، آن روغن زرین به ما منتقل خواهد شد. "نه به قوت و نه به قدرت، بلکه به روح من، یهوه صباپوت می‌گوید." با دریافت پرتوهای درخشان آفتاب عدالت، فرزندان خدا چون نورها در جهان می‌درخشند.» Review and Herald, July 20, 1897.

توجه داشته باشید که کسانی که پیام فریاد نیمه‌شب را دریافت می‌کنند، در موسی در غار حوریب نمونه‌وار مجسم شده‌اند، آنگاه که التماس می‌کرد خدا جلال خویش را به او بنمایاند. آن دو طبقه، پیش از فریاد نیمه‌شب و در خلال زمان تأخیر، منش‌های خود را نهایی کرده بودند.

«اکنون در زمانی بس خطرناک زندگی می‌کنیم، و هیچ‌یک از ما نباید در جست‌وجوی آمادگی برای آمدن مسیح درنگ ورزد. مبدا کسی از نمونه باکره‌های نادان پیروی کند و چنین بیندیشد که ایمن خواهد بود اگر تا فرارسیدن بحران صبر کند و آنگاه برای ایستادگی در آن زمان، آمادگی منش حاصل نماید. هنگامی که میهمانان فراخوانده شوند و مورد بررسی قرار گیرند، برای جست‌وجوی پارسایی مسیح بسیار دیر خواهد بود. اکنون زمان آن است که پارسایی مسیح را بر تن کنید—جامه عروسی‌ای که شما را شایسته ورود به ضیافت عروسی بره خواهد ساخت. در مثل، باکره‌های نادان چنین تصویر شده‌اند که برای روغن التماس می‌کنند و در درخواست خود کامیاب نمی‌شوند. این نماد کسانی است که با پرورش منش لازم برای ایستادگی در زمان بحران، خود را آماده نساخته‌اند.» The Youth's Instructor, January 16, 1896.

در ندای نیمه‌شب، یک گروه روغن لازم را داشت و گروه دیگر آن را نداشت. گام دوم، ظهور عدالت یا بی‌عدالتی در پایان زمان تأخیر است، «زیرا» داماد نزد «پدر» خود رفت، «و دیگر مرا نخواهید دید.» گام دوم، سیزدهمین حرف الفبای عبری است. گام سوم در تاریخ پنهان، دآوری و نومیدی عظیم و آخرین حرف الفبا است.

تاریخ پنهان درون هفت رعد، به واسطه واژه «حقیقت»، به واسطه نومیدی آغازین که نومیدی واپسین را شناسایی می‌کند، و به واسطه فرشته‌ای که در آغاز و در پایان با پیامی می‌آید، مورد شهادت قرار می‌گیرد. این تاریخ پنهان تنها از سوی کسانی شناخته خواهد شد که قواعد مطالعه کتاب مقدس را که از عالی‌ترین مرجع عطا شده است پذیرفته‌اند: قواعد میلر در آغاز و Prophetic Keys در پایان.

با تاریخ هفت رعد، چنان‌که هم‌اکنون بیان داشتیم، تأکیدی وجود دارد که باید تکرار شود و به یاد سپرده شود. نخستین نومیدی در هر خط اصلاح، نادیده گرفتن حقیقتی است که پیش‌تر برقرار شده است. موسی فراموش کرد پسر خود را مختون سازد، حال آنکه این همان نماد عهدی بود که نبوت ابراهیم آن را مشخص می‌ساخت. عزا فراموش کرد که تنها کھانت می‌تواند به تابوت دست بزند. مریم و الیزابت در داستان ایلعازر شهادت می‌دهند که پیش‌تر از قدرت رستاخیز مسیح آگاه بودند. هنگامی که نمودار ۱۸۴۳ تهیه شد، رهبران (فشار همتایان) بر پدر میلر تکیه کردند تا آنچه را که او همواره درباره سال ۱۸۴۳ گفته بود نادیده بگیرد. آنان اصرار ورزیدند که او شهادت تثبیت‌شده خود را که مجال انعطاف را تا تاریخ ۱۸۴۳، به‌عنوان پیش‌بینی ایشان از تحقق دو هزار و سیصد روز، باقی می‌گذاشت، تغییر دهد. شهادت میلر نشان می‌دهد که فشار همتایانی که از سوی دیگر رهبران این جنبش وارد شد، او را بر آن داشت تا تشخیص مبهم خود را از زمان تحقق نبوت کنار بگذارد و به‌صراحت اعلام کند که آن در سال ۱۸۴۳ تحقق خواهد یافت.

با Future for America می‌دانستیم که هرگز قرار نبود پیام دیگری «بر زمان آویخته» شود. Future for America در سراسر تاریخ این جنبش بارها آن حقیقت را تعلیم داده بود. نخستین نومیدی همواره بر بی‌اعتنایی به یک حقیقت آزمون‌شده و استقرار یافته مبتنی است. آن، بی‌اعتنایی گناه‌آلود به یک حقیقت بود، اما مهم‌تر از آن، بی‌اعتنایی گناه‌آلود به قاعده اصلی ویلیام میلر بود؛ قاعده‌ای که به‌طور مشخص مشخص شده بود که در سال 1844 پایان می‌یابد.

اور جس فرشته کو میں نے سمندر پر اور زمین پر کھڑا دیکھا تھا، اُس نے اپنا ہاتھ آسمان کی طرف اُٹھایا، اور اُس کی قسم کھائی جو ابدالآباد زندہ ہے، جس نے آسمان اور اُن سب چیزوں کو جو اُس میں ہیں، اور زمین اور اُن سب چیزوں کو جو اُس میں ہیں، اور سمندر اور اُن سب چیزوں کو جو اُس میں ہیں پیدا کیا، کہ پھر مہلت نہ رہے گی۔ مکاشفہ 10:5، 6.

فرشته‌ای که بنا بر گفته خواهر وایت بر خشکی و دریا ایستاده بود، «کسی جز عیسی مسیح» نبود. آینده برای آمریکا فرمانی مستقیم از عیسی مسیح را نادیده گرفت! شخصاً، من تنها با شمار اندکی از

اشخاصی که پیش از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ با آنان مرتبط بودم، تعامل داشته‌ام. از میان همان اندک اشخاص، فقط با دو نفر مطالعه کرده‌ام و آنچه را که از کلام خدا درباره تجربه ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ می‌آمد، آزموده‌ام؛ و یکی از آن دو اکنون در عیسی خفته است. اما بر اساس تاریخ میلری، که آغاز آن چیزی است که ما پایان آن هستیم، یقین دارم که هنوز کسانی هستند که در آن زمان در جنبش بودند و هنوز کاربردهایی از نبوت ارائه می‌کنند که «بر زمان آویخته» است. زیر آفتاب هیچ چیز تازه‌ای نیست.

زمان برای ادامه دادن به آن‌گونه هیجان نبوی بسی کوتاه‌تر از آن است؛ اما هر کس باید در ذهن خود کاملاً متقاعد باشد. و هر یک از مردانی که در جانب موضعی قرار می‌گیرند که هنوز با زمان بازی می‌کند، بداند که Future for America همه آن کاربردها را رد می‌کند، زیرا آن‌ها چیزی کمتر از فریب‌های شیطانی نیستند.

پنهان نبوی درونی در میان چهار نشانه‌ای که هفت رعد را تشکیل می‌دهند، همان چیزی است که اکنون به وسیله شیر سبط یهودا گشوده می‌شود. این مقاله صرفاً مروری بوده است بر آنچه درباره واژه عبری «ēmet» که به «حق» ترجمه شده است، بیان کرده‌ایم. این نوشتار همه آنچه را که پیش‌تر به اشتراک گذاشته‌ایم دربر نگرفت، اما مقصود از این مرور آن است که نشان دهد یوحنا باب شانزدهم آیه هشت به طور کامل با الگوی نبوی‌ای که برای خط پنهان نبوی درونی در هفت رعد پیشنهاد می‌کنیم، موافقت دارد.

هنوز اندکی مرور بیشتر لازم است، پیش از آن‌که به نتیجه‌ای برسیم که در مقاله بعدی بدان خواهیم پرداخت.

مهر مکن بر سخنان نبوت این کتاب، زیرا زمان نزدیک است: آن که ظالم است، بگذار همچنان ظلم کند؛ و آن که ناپاک است، بگذار همچنان ناپاک بماند؛ و آن که عادل است، بگذار همچنان عدالت ورزد؛ و آن که مقدس است، بگذار همچنان مقدس بماند. و اینک، به زودی می‌آیم، و پاداش من با من است تا هر کس را موافق اعمالش جزا دهم. من الفا و امگا، ابتدا و انتها، اول و آخر هستم. مکاشفه ۱۳-۲۲:۱۰.